

# امام هفتم، مشعل دار عبادت و دعا

سید جواد حسینی

مدت امامت آن حضرت که از سال ۱۴۸ ه. ق شروع شد، مانند پدر بزرگوارش ۳۴ سال بوده و در این دوران با چهار خلیفه عباسی همزمان بوده است:

۱. منصور دوانیقی (۱۳۶ - ۱۵۸ ه. ق)

۲. محمد معروف به مهدی عباسی (۱۵۸ - ۱۶۹ ه. ق)

۳. هادی عباسی (۱۶۹ - ۱۷۰ ه. ق)

۴. هارون الرشید (۱۷۰ - ۱۹۳ ه. ق)

اسم مبارک امام هفتم، موسی علیه السلام و القاب مشهور آن حضرت، کاظم، عبدالصالح، عالم و باب الحوائج، و کنیه مشهورش، ابوالحسن الاوّل است. پدر بزرگوارش، حضرت صادق علیه السلام و مادر مکرمه اش بانویی بافضیلت به نام «حمیده» است.

آن حضرت در هفتم صفر سال ۱۲۸ ه. ق در سرزمین «ابواء» (یکی از روستاهای اطراف مدینه) چشم به جهان گشود و در سال ۱۸۳ (یا ۱۸۶) ه. ق به دست سندی بن شاهک و به دستور هارون الرشید مسموم شد و در زندان به شهادت رسید.

۱. و گاهی در روایات به ابوالحسن الماضي نیز یاد شده است تاردی باشد بر عقاید و افقیه که قائل به زنده بودن آن حضرت بودند.

و از طرف دیگر، عبادت و دعا راهی به سوی کمال، بلکه تنها راه رسیدن به کمال و سعادت ابدی دنیا و آخرت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْرَلَةً لَا تَنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ»<sup>۲</sup> در نزد خداوند مقاماتی است که بدون درخواست [و دعا، کسی] به آن نمی‌رسد.»

یکی از دانشمندان می‌گوید: «وقتی که مانیا پیش می‌کنیم، خود را به قوه پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است، متصل و مربوط می‌سازیم.»<sup>۳</sup> و اضافه می‌کند: «امروز جدیدترین علم؛ روان پزشکی، همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند، چرا؟ به علت اینکه روان پزشکان دریافته‌اند که دعا و نماز داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از ناراحتیهای

و غالباً مدت مذکور را یا در زندان و یا در تبعید سپری کرده است. در این مقاله، به مناسبت ولادت با سعادت امام هفتم علیه السلام، نگاهی به عبادتها و مناجات آن حضرت خواهیم کرد.

### عبادت و دعا نیاز فطری انسان

عبادت، دعا، پرستش و نیایش، نیاز فطری و درونی انسان است؛ چرا که انسان فطرتاً به گونه‌ای آفریده شده که در هر وضعیتی قرار داشته باشد مایل به عبادت و محتاج به پرستش است. به همین جهت، هیچ قوم و گروهی از انسانها عاری از پرستش و نیایش نبوده‌اند و دانشمندان هم معترف‌اند که یکی از چهار میل اساسی انسان (حس دانایی، حس نیکی، حس زیبایی و حس مذهبی) میل به پرستش و نیایش است.

آلکسیس کارل، روان شناس معروف می‌گوید: «فقدان نیایش در میان ملّتی برابر با سقوط آن ملّت است؛ اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد ماند.»<sup>۱</sup>

۱. نیایش، آلکسیس کارل، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰.

۲. اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۳۸، ح ۳.

۳. آیین زندگی، ص ۱۵۶ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۱.

ما است، بر طرف می سازد.»<sup>۱</sup>

### عبادت حضرت

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به شهادت تاریخ و حتی مخالفان، بخش مهمی از ساعات زندگی خویش را به عبادت و دعا و نیایش و مناجات گذراند و ارزشمندترین لحظات آن حضرت زمانی بود که با خدای خویش خلوت داشت. او با تمام وجود و احساس و عاطفه اش متوجه خداوند بود. هرگاه در حال نماز یا مناجات در پیشگاه خدای بزرگ قرار می گرفت، اشکش چون باران جاری بود و از خوف عظمت خداوند مضطرب بود: «أَنَّهُ كَانَ يَمْضِي نَوَافِلَ اللَّيْلِ وَيَصِلُهَا بِصَلَاةِ الصُّبْحِ، ثُمَّ يَعْثُبُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَيَخْرُ اللَّهُ سَاجِدًا فَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الدُّعَاءِ وَالتَّمَجِيدِ حَتَّى يَقْرُبَ زَوَالِ الشَّمْسِ؛<sup>۲</sup> همیشه این گونه بود که نوافل شب را می خواند و آن را به نماز صبح وصل می کرد. آن گاه تا طلوع آفتاب به تعقیبات نماز می پرداخت. سپس به سجده می افتاد و سر از سجده و دعا و تمجید (الهی) تا نزدیک زوال بر نمی داشت.»

هرگاه داخل مسجد الحرام می شد،

به سجده می افتاد و با اشک جاری و اخلاص و خشوع عرضه می داشت: «عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلَيْحُسْنِ الْعَفْوِ مِنْ عِنْدِكَ؛<sup>۳</sup> گناه بنده ات بزرگ شد، پس بخشودگی از نزد تو چه زیبا است.»

و در زیارت نامه آن حضرت چنین می خوانیم: «وَصَلَّ عَلَي مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَبْرَارِ وَامَامِ الْأَخْيَارِ... الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُواصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَالذُّمُوعِ الْعَزِيزَةِ وَالْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ؛<sup>۴</sup> درود بر موسی بن جعفر علیه السلام و صی نیکان و پیشوای برگزیدگان... آن کسی که شب را تا سحر [زنده

۱. همان، ص ۱۵۲ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲.

۲. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۳۱؛ كشف الغمة، اربلی، ج ۳، ص ۱۸؛ اعلام الهدایة الامام موسی بن جعفر (مجمع عالمی اهل بیت، چاپ اول، ۱۴۲۲)، ج ۹، ص ۲۸.

۳. اعلام الهدایة، ص ۲۹؛ وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۲۹۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۷؛ انوار البهیة، شیخ عباس قمی، ص ۱۹۰.

۴. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، صلوات بر امام موسی کاظم علیه السلام، ص ۷۹۱؛ ر.ک: چهارده معصوم، حسین مطهری، (کانون پرورش فکری قم، ۱۳۶۳، چاپ اول) ص ۱۰۶؛ منتهی الآمال، ص ۱۲۳.

صالح نامیده شده، به خاطر زیادی بندگی [و عبادت]. و به «باب الحوائج» مشهور می‌باشد؛ زیرا هر کس به او متوسل شود به حاجتش می‌رسد. کرامات او به قدری فراوان است که عقلها از آنها در تحیر می‌ماند.»

مأمون از پدرش هارون (که دشمن جان حضرت و قاتل او بود) چنین نقل نموده است: «إِذْ دَخَلَ شَيْخٌ مُسَخَّذٌ قَدْ أَنْهَكَتْهُ الْعِيَادَةُ كَأَنَّهُ سَنَّ قَدْ كَلَّمَ السُّجُودَ وَجَهَهُ وَأَنْفَهُ؛<sup>۱</sup> پیر مردی وارد شد که صورتش از شب بیداری زرد شده و ورم کرده بود و عبادت او رارنجور و لاغر نموده و همچون مشک خشکیده شده و زیادی سجده پیشانی و بینی او را مجروح نموده بود.»

از عبدالله قزوینی نقل شده که روزی بر فضل بن ربیع وارد شدم، در حالی که بر بام خانه خود نشسته بود و آن‌گاه که نگاهش بر من افتاد، مرا نزد خود طلبد و گفت: از این روزنه نگاه کن چه می‌بینی؟ گفتم: جامه‌ای که بر

می‌داشت و [به استغفار همیشگی و سجده‌های طولانی و گریه‌های سرشار و مناجات بسیار و ناله‌های پی در پی بیدار بود.]

حتی مخالفان آن امام نیز بدین امر اعتراف نموده‌اند؛ محمد بن طلحة شافعی درباره آن حضرت می‌گوید: «إِنَّهُ الْإِمَامُ جَلِيلُ الْقَدْرِ عَظِيمُ الشَّانِ كَثِيرُ النَّهْجِ الْمُوَظَّبُ عَلَى الطَّاعَاتِ الْمَشْهُورِ بِالْكَرَامَاتِ مُسَهِّرُ اللَّيْلِ بِالسُّجُودِ وَالْقِيَامِ وَمُتِمُّ النَّيِّمِ بِالصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالْخَيْرَاتِ الْمُسْمَى بِالْكَاطِمِ لِعَفْوِهِ وَإِحْسَانِهِ بِمَنْ أَسَاءَتْهُ وَالْمُسْمَى بِالْعَبْدِ الصَّالِحِ لِكَثْرَةِ عُبُودِيَّتِهِ وَالْمَشْهُورِ بِبَابِ الْحَوَائِجِ إِذْ كُلُّ مَنْ يَتَوَسَّلُ إِلَيْهِ أَصَابَ حَاجَتَهُ. كَرَامَاتُهُ تُحَاوَرُ مِنْهَا الْعُقُولُ؛<sup>۱</sup> به راستی او (موسی بن جعفر) پیشوای جلیل‌القدر

و بزرگ منزلت است. او شب زنده‌دار و مواظب بر طاعات (پروردگار) است. مشهور به کرامات می‌باشد، شب تا صبح به سجده و نماز [و عبادت] می‌پردازد و روز را به روزه و اعانت و خیرات [به دیگران] به پایان می‌رساند.

کاظم (فرو برنده خشم) نامیده شده، به خاطر گذشت و احسانش به افرادی که به او بدی کرده‌اند. بنده

۱. چهارده معصوم، ص ۱۰۹؛ ر.ک: منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳.  
۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۳.

زمین افتاده است. گفت: با دقت نگاه کن! چون دقت بیشتری به خرج دادم، گفتم: انسانی می نماید که به سجده رفته است. گفت: او را می شناسی؟ گفتم: نه. گفت: این مولای تو است. گفتم: مولای من کیست؟ گفت: تجاهل می کنی؟ گفتم: نه، من مولایی برای خود نمی شناسم. گفت: این موسی بن جعفر علیه السلام است، که من شب و روز مواظب حالات او هستم و او را جز به این حال که می بینی، نمی یابم؛ چون نماز صبح را اقامه می کند تا طلوع آفتاب مشغول تعقیبات است. آن گاه به سجده می رود و به همان حال باقی است تا زوال شمس، و به کسی سپرده است که هنگام زوال و ظهر به او خبر دهد، آن گاه بدون تجدید وضو مشغول نماز ظهر و عصر و نافله آن می شود و باز به سجده می رود تا غروب آفتاب و بعد از نماز مغرب و عشاء و تعقیبات آن افطار می کند، و بعد از آن تجدید وضو نموده به سجده می رود، بعد از سجده طولانی، به بستر خواب رفته، و بعد از بیداری و تجدید وضو مشغول عبادت و نماز می شود تا اذان صبح... از

آن روزی که او را نزد من آورده اند، پیوسته کار و عادتش این است و چیزی جز عبادت از او ندیده ام، عبدالله می گوید: چون این سخن را از او شنیدم گفتم: از خدا ترس و قصد بدی نسبت به او نداشته باش که باعث زوال نعمت از تو می شود؛ زیرا هر کس به این [خانواده] بدی کرده است، به سرعت در همین دنیا به جزای خود رسیده است.

فضل گفت: بارها نزد من آورده اند که او را به شهادت برسانم، ولی من زیر بار نرفته ام و به آنها گفته ام که این کار از من ساخته نیست.<sup>۱</sup>

آنچه در عبادات و دعاهای آن حضرت قابل دقت و توجه می باشد، این است که هرگز عباداتی خشک و بی روح و بی اثر و عاداتی خالی از توجه نبوده است؛ بلکه عبادات آن حضرت ویژگیهایی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود.

### ویژگیهای عبادت امام هفتم علیه السلام

#### ۱. عبادت عاشقانه

مهم ترین ویژگی که به عبادت

۱. همان، با تصرف و تغییر.

ارزش و عظمت می دهد، و نیازهای فطری انسان را برآورده می کند و به قلّه سعادت و کمال می رساند، عاشقانه عبادت نمودن است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «برترین افراد کسی است که عاشق عبادت باشد؛ سپس به عبادت تن دهد و آن را از دل دوست بدارد و با جسد با آن مباشرت داشته و خود را برای آن فارغ نموده باشد...»<sup>۱</sup>

وقتی که طاغوت زمان، هارون الرشید امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام را در قعر زندانهای تاریک و نمور زندانی نمود، و احساس کرد که جای خلوتی برای ابراز عشق و محبت به معبود خود یافته، دست به آسمان برداشته، عاشقانه عرضه داشت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْرَغَنِي لِعِبَادَتِكَ اللَّهُمَّ وَقَدْ فَعَلْتَ فَسَلِّحْكَ الْحَمْدُ؛<sup>۲</sup>

بارخدایا! به راستی من همیشه درخواست می کردم که به من محل خلوتی برای عبادت خود عنایت نمایی. خدایا! این کار را انجام دادی، پس ستایش برای تو است.»

به راستی جز عشق به خدا و عبادت نام دیگری نمی توان بر

جملات فوق گذاشت؛ چنان که گاهی نماز و سجده انجام می داد و یا دعا می خواند تا با معشوق خویش سخن بگوید، و گاه قرآن تلاوت می نمود تا خدای با او سخن بگوید، و انس شبهای تار او صوت قرآن عارفانه او بود. از «المناقب» چنین نقل شده است:

«كَانَ الذِّكْرُ الْحَكِيمَ زَفِيقَ الْإِمَامِ فِي حَلْوَاتِهِ، وَ صَاحِبَهُ فِي وَحْشَتِهِ وَ كَانَ يَتْلُوهُ بِإِمْعَانٍ وَ تَدْبِيرٍ وَ كَانَ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِهِ، فَإِذَا قَرَأَ يُحْزِنُ وَ يَبْكِي السَّامِعُونَ لِتِلَاوَتِهِ؛<sup>۳</sup> قرآن حکیم یار تنهاییهای امام (موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام) و مونس و حشش بود، همیشه قرآن را با دقت و تدبیر تلاوت می نمود، و دارای زیباترین صوت قرآنی بود. هرگاه قرآن می خواند، شنوندگان به خاطر تلاوتش محزون می شدند و گریه می کردند.»

۱. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَقِبَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَخْبَثَهَا بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَضَرَّعَ لَهَا...» ر.ک: منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، سید حمید حسینی، (قم، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۰) ص ۳۲۵، ح ۳۹۳۱.

۲. اعلام الهدایه، ج ۹، ص ۲۹؛ حیاة الامام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. اعلام الهدایه، ج ۹، ص ۳۱؛ المناقب، ج ۴، ص ۳۴۸.

شناخت اوج عظمت الهی بوده است،  
مثل:

الف) حضرت به یکی از  
فرزندانش فرمود: «يَا بَنِيَّ إِنِّي أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ  
فِي مَعْصِيَةِ نَهَاكَ عَنْهَا، وَإِنِّي أَنْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ  
طَاعَةِ أَمْرِكَ بِهَا، وَعَلَيْكَ بِالْحِدِّ وَلَا تُخْرِجَنَّ  
نَفْسَكَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ، فَإِنَّ  
اللَّهَ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ؛<sup>۱</sup> ای پسر عزیزم!  
مبادا خداوند تو را در گناهی که از آن  
نهی کرده، ببیند، و مبادا تو را در عبادتی  
که تو را به آن فرمان داده، نیابد و بر تو  
باد بر تلاش کردن، و همیشه احساس است  
این باشد که در عبادت خدا و اطاعت او  
کوتهای کرده‌ای؛ چرا که خداوند آن  
گونه که حق عبادت اوست، عبادت  
نمی‌شود.»

اینکه انسان همیشه خود را مقصّر  
بداند، و درک کند که حق عبادت خدا را  
نمی‌تواند ادا کند، نشانه عمق معرفت  
به عظمت و جلالت الهی است؛ چنان

حفص درباره قرائت حضرت  
می‌گوید: «وَكُنَّ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ  
يُخَاطَبُ إِنْسَانًا؛<sup>۱</sup> خواندن قرآنش حزین  
بود. پس هرگاه قرآن می‌خواند  
بگونه‌ای می‌خواند که گویا با انسانی  
سخن می‌گوید.»

## ۲. عبادت آگاهانه

عبادت حضرت با علم و معرفت  
بود؛ چرا که او آگاه‌ترین فرد زمان  
خویش نسبت به مسائل دینی و صفات  
جمال و جلال خداوند بود.<sup>۲</sup> پدر  
بزرگوارش، امام صادق علیه السلام درباره علم  
و معرفت او می‌فرماید: «إِنَّ ابْنِي هَذَا لَوْ  
سَأَلْتُهُ عَمَّا تَيْنَ دَفْتِي الْمُضْحَفِ لَأَجَابَكَ فِيهِ  
بِعِلْمٍ؛<sup>۳</sup> به راستی این پسر را اگر از  
آنچه در قرآن آمده سؤال نمایی،  
آگاهانه جواب می‌دهد.» و در جای  
دیگر فرمود: «وَعِنْدَهُ عِلْمُ الْحِكْمَةِ، وَالْفَهْمُ،  
وَالسَّخَاوُ، وَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ فِيمَا  
اِخْتَلَفُوا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ؛<sup>۴</sup> در نزد اوست علم  
حکمت و فهم، و سخاوت‌مندی، و  
شناخت نسبت به معارف دینی که مردم  
به آن نیاز دارند.»

شواهدی نشان می‌دهد که عبادت  
حضرت، از روی آگاهی و از سر

۱. اعلام الهدایه؛ و رک: الدرالنظیم فی مناقب  
الائمہ، یوسف بن حاتم شامی.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۵.

۳. اعلام الهدایه، ج ۹، ص ۲۷.

۴. همان.

۵. تحف العقول، ص ۷۴۶، ج ۱۵.

کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به سر بردن، بیهوده است. باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال با توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.<sup>۳</sup>

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عبادت پیوسته، حضور دائمی و مناجات همیشگی داشت؛ لذا در زیارت نامه حضرت می خوانیم: «حَلِيفَ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَالذُّمُوعِ الْعَزِيزَةِ وَالْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ وَالصَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ»<sup>۴</sup> سجده های طولانی و گریه های سرشار و مناجات زیاد همیشگی و ناله های پی در پی داشت.»

از شافعی نقل شده که درباره او گفته است: «كَثِيرُ التَّهَجُّدِ الْمُوَاطَّبِ عَلَى الطَّاعَاتِ»<sup>۵</sup> زیاد شب زنده دار و مواظب بر طاعات (پروردگار) است. و مأمون عباسی نیز درباره او گفته است: «أَنَّ قَدْرَ عِبَادَتِهِ مِثْلَ قَدْرِ صُورَتِهِ»<sup>۶</sup> قدر عبادت می کرد که صورتش زخمی

که آن حضرت با همه تلاشهای شبانه روزی در عبادت حق، خود را مقصّر و عبادات خویش را ناچیز می دانست.

ب) در جای دیگر فرمود: «تَفَقَّهُوا فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَسَمَامُ الْعِبَادَةِ وَالسَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَالرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا، وَفَضَّلَ الْفَقِيهَ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضَّلَ السَّمْسَ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَمَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا؛<sup>۱</sup> تفقه کنید [و دین را بشناسید] زیرا که فقه [و فهم] کلید بصیرت، و کمال عبادت است، و راه رسیدن به جایگاههای بلند و مراتب با عظمت در دین و دنیا است و برتری دین شناس بر عبادت پیشه، همانند برتری خورشید بر ستارگان است و هر کس فهم دینش را دنبال نکرد خدا از عمل او خرسند نگشت.»<sup>۲</sup> در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم که ایشان «عَيْنَةُ الْأَنْوَارِ» یعنی صندوقچه جواهرات علم الهی بود.<sup>۳</sup>

### ۳. عبادت پیوسته و مستمر

از دیگر ویژگیهای مطلوب یک عبادت، مداومت و استمرار بر آن است. الکسیس کارل می گوید: «البتة نباید فراموش کرد که تنها صبح نیایش

۱. همان، ص ۷۴۸.

۲. چهارده معصوم، ص ۱۰۹.

۳. نیایش. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰.

۴. مفاتیح الجنان، صلوات بر امام موسی کاظم علیه السلام، ص ۷۹۱.

۵. چهارده معصوم، ص ۱۰۹.



شده بود.»

سبط ابن الجوزی می گوید:  
«وَيُذَعَّرُ عَنِ بِالنَّبِيِّ الصَّالِحِ لِعِبَادَتِهِ وَاجْتِهَادِهِ  
وَقِيَامِهِ بِاللَّيْلِ؛<sup>۱</sup> و [موسی بن جعفر] به

خاطر عبادت و تلاش [پیوسته] و شب  
بیداری اش عبد صالح خوانده می شد.»

احمد بن یوسف دمشقی قرمانی  
نیز می گوید: «هُوَ الْأَمَامُ الْكَبِيرُ الْقَدْرُ...

الْحُجَّةُ، الشَّاهِرُ لَيْلَهُ قَائِمًا الْقَاطِعُ نَهَارَهُ  
صَائِمًا؛<sup>۲</sup> او [موسی بن جعفر] پیشوای

بزرگ منزلت و حجت [خدا] است که شبها  
به حال نماز بیدار، و روزها روزه دار است.»

محمد خواجه بخاری درباره او  
گفته است: «كَانَ يُدْعَى بِالْعَبْدِ الصَّالِحِ، وَفِي

كُلِّ يَوْمٍ يَسْجُدُ اللَّهُ سَجْدَةً طَوِيلَةً بَعْدَ ازْتِفَاعِ  
السُّنْمِ إِلَى الرَّوَالِ؛<sup>۳</sup> او به عبد صالح

خوانده می شد و در هر روز پس از بالا  
آمدن خورشید تا ظهر خدا را با سجده

طولانی، سجده می کرد.» محمد بن  
الحسن شیبانی شاگرد ابوحنیفه نیز

همین نکته را بیان کرده است.<sup>۴</sup>  
از دعاهایی که آن حضرت فراوان

بر لب داشت این بود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
الرَّحْمَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ [وَالْمَغْفِرَةَ بَعْدَ الْمَوْتِ]

وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ؛<sup>۵</sup> خدایا! از تو راحتی

لحظه جان دادن را [و بخشش بعد از  
مرگ را] و گذشت در نزد حسابرسی  
روز قیامت را درخواست می کنم.»

#### ۴. برترین عبادت

امام علیه السلام درباره عبادت برتر  
فرمودند: «صَلَاةُ التَّوَائِلِ قُرْبَانٌ إِلَى اللَّهِ لِكُلِّ

مُؤْمِنٍ... وَ لِكُلِّ سَنِي عَزَاةٍ وَ زَكَاةٍ الْجَسَدِ صِيَامُ  
التَّوَائِلِ، وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَغْفِرَةِ أَنْتِظَارُ

الْفَرَجِ؛<sup>۶</sup> نمازهای مستحبی نزدیک  
کننده هر مؤمن به خداست... و برای

هر چیزی زکاتی باشد و زکات بدن،  
روزه های مستحبی است و برترین

عبادت پس از شناخت، انتظار فرج  
است.» در این روایت معرفت و انتظار

فرج برترین عبادت شمرده شده است.  
۵. عبادت هدایت بخش

عبادات و مناجات امام کاظم از

۱. تذكرة الخواص، ص ۳۱۲؛ اعلام الهدایة، ج ۹، ص ۲۳.

۲. اعلام الهدایة، ص ۲۴؛ اخبار الدول، ص ۱۱۲.

۳. اعلام الهدایة، ج ۹، ص ۲۵.

۴. همان، ج ۹، ص ۲۹؛ حیاة الامام موسی بن جعفر علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۰.

۵. منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۲۳؛ اعلام الهدایة، ج ۹، ص ۲۴؛ و رک: نورالابصار عبدالمؤمن شبلنجی، ص ۲۱۸.

۶. تحف العقول، ص ۷۳۴.

دیدند از خوف خدا می لرزد و مرتب به آسمان نگاه می کند؛ آن گاه مشغول نماز گشت. هارون پرسید: چرا چنین می کنی، این چه حالی است که در پیش گرفته ای؟

کنیز گفت: من داستان بسیار عجیبی دارم، و آن این است که وقتی محضر امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم، او مرتب مشغول نماز و دعا بود. سرانجام به وی عرض کردم: ای مولا و سید من! آیا کاری دارید که من آن را انجام دهم؟ فرمود: من با تو کاری ندارم. عرض کردم: مأمور به خدمت شما می باشم. فرمود: اینها چه بد فکر می کنند. ناگهان متوجه باغ بزرگی شدم که ابتدا و انتهای آن پایانی نداشت؛ این باغ با فرشهای زیبا و پرارزش مفروش شده بود، و کنیزان و حوریانی زیبا در آن صف کشیده بودند، و در دستهای خود ظرفهای آب و طشت برای شستن دستهای آن حضرت آماده ساخته بودند، از آن به بعد به سجده افتادم تا لحظه ای که غلام به بالین من آمد. هارون گفت: شاید این قضایا را در خواب دیده ای؟ کنیز گفت: به خدا

خصیصه هدایتگری و نجات بخشی برخوردار بود که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

### الف) تحول کنیز در زندان

نقل کرده اند که هارون الرشید، برای فریب دادن، یا شکنجه و یا تحقیر نمودن آن حضرت علیه السلام در دید مردم، فاحشه ای رقاصه و زیبا را به بهانه خدمتکاری نزد ایشان فرستاد و از طرفی غلامی را گمارد که مواظب اوضاع باشد. وقتی کنیز را به محضر آن حضرت آوردند، فرمود: من نیازی به کنیز و خدمتکار ندارم؛ لذا او را برگردانید. هارون الرشید از این کار ناراحت شد و گفت: ما با اجازه او، وی را زندانی نکرده ایم تا کنیز را نیز با اجازه او به آنجا بفرستیم و بعد دوباره دستور داد کنیز را به زندان برگردانند... مدتی گذشت. غلام، گزارش داد که کنیز نیز به سجده افتاده و پیوسته و مرتب در سجده می گوید: «قَدَّوَسٌ قَدَّوَسٌ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ». هارون گفت: موسی بن جعفر وی را سحر کرده است!! او را با سرعت نزد من آورید. وقتی کنیز را نزد او بردند،

قسم همه اینها را قبل از اینکه به سجده روم با چشمان خود دیدم و سجده ام برای سپاس از آنها بود. هارون دستور داد از او مراقبت نمایند که این حرفها را به کسی نگوید. آن کنیز دوباره به سجده افتاد و مشغول نماز شد. همیشه کارش این بود و مرتب می گفت: عبد صالح نیز چنین می کرد و من در عالم واقع دیدم که آن کنیزان مرا خطاب کردند که از حضور امام کاظم علیه السلام دور باشم و به من گفتند که ما برای خدمت امام موسی بن جعفر برتر و مناسب تر هستیم.<sup>۱</sup>

### (ب) بیداری شقیق

شقیق می گوید: «در سال ۱۴۹ هجری برای زیارت خانه خدا عازم مکه شدم و در بین راه چشمم به جوانی افتاد که در گوشه ای نشسته بود و لباس پشمی بر تن داشت. با خود گفتم: به خدا سوگند! این جوان از «صوفیه» است، الآن می روم و او را تحقیر می کنم. چون به نزدیک او رسیدم، به من گفت: ای شقیق! از بدگمانی دوری گزینید، زیرا بعضی از گمانها گناه است.<sup>۲</sup> با شنیدن این جمله از او دور شدم و با خود گفتم: او از قلب من خبر داد! و

با نام و نشانم با من سخن گفت! تصمیم گرفتم از وی درخواست کنم که مرا جزء دوستان خود قرار دهد تا از او استفاده نمایم. بنابراین، به دنبال او رفتم ولی هرگز به او نرسیدم و او از چشمم ناپدید شد؛ اما من همیشه به فکر او بودم و آرزو می کردم که او را دوباره ببینم. ناگاه در سرزمینی به نام «واقصه» دیدم که او مشغول نماز است و از شدت خضوع و خشوع اعضایش می لرزد و اشک از چشمانش فرو می ریزد. تصمیم گرفتم به حضور او رسیده، از وی عذرخواهی نمایم. چون از نماز فارغ شد قبل از آنکه سخن بگویم فرمود: «ایا شَقِيقُ! اَتَلَّ ﴿وَاتَى لَعْفَاظَ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا تَمَّ اهْتَدَى﴾؛<sup>۳</sup> ای شقیق! بخوان [این آیه قرآن را که خداوند می فرماید:] به راستی من می بخشم کسی را که توبه نموده، ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، سپس

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۸، ص ۲۳۸؛ جلاء العیون شیر، ج ۳، ص ۷۰؛ مناقب

ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹۷.

۲. حجرات/ ۱۲.

۳. طه/ ۸۲.

هدایت یابد.»

شقیق می‌گوید: او وقتی آیه را خواند به راه خویش ادامه داد و من به فکر فرو رفتم و با خود گفتم: خدایا! این کیست که دو بار از قلب من خیر داد؟ لابد از ابدال و اولیای الهی است. برای بار سوم او را در کنار چاهی مشاهده کردم، او می‌خواست از آب چاه مشک کوچک خود را پر از آب کند، ناگهان طناب مشک پاره شد و به درون چاه افتاد. او دعایی خوانده، از خدا خواست که مشکش را برگرداند، ناگاه چاه پر از آب شد و آن جوان مشک را با دستش گرفت، و سپس از آب چاه وضو گرفته، مشغول خواندن نماز شد. بعد از انجام چهار رکعت، در گوشه‌ای مشغول خوردن غذا شد. من محضر او رفته، بعد از سلام عرض کردم: اجازه می‌دهید من هم از طعام شما استفاده کنم؟ آن جوان فرمود: ای شقیق! پیوسته نعمتهای ظاهری و باطنی خدا شامل حال ما است، تو نیز حُسن ظن به خدا داشته باش و اینک بیا و از طعام موجود استفاده کن.

شقیق در کنار سفره آن جوان قرار گرفت و از غذای او که نوعی حلوا بود خورد و از آب مشک نوشید. او می‌گوید:

این غذا را لذیذترین غذاها یافتم و تا چند روز دیگر میل به غذا و آب نداشتم. او اضافه می‌کند که با آن جوان وداع کردم و دیگر او را ندیدم، تا سرانجام در مکه معظمه شبی او را از دور دیدم، ساعات آخر شب بود، او مشغول نماز و مناجات بود، و مرتب زاری و گریه می‌کرد. چون فجر طلوع کرد به نماز صبح مشغول شد و طواف کعبه را انجام داد و هنگامی که خواست از کعبه دور شود، جمعیت زیادی دور او را گرفتند... من از یکی از آنان پرسیدم، این جوان کیست؟ جواب داد: این امام کاظم، موسی بن جعفر علیه السلام است.<sup>۱</sup>

ما ییم و عنایت امام کاظم  
یک سینه ولایت امام کاظم  
چون ذره به سر منزل خورشید رسیم  
در ظل هدایت امام کاظم  
این زمزمه در عرش برین است امشب  
پیدایش نور شمس دین است امشب  
مژده به محمد و علی و زهرا  
میلاذ امام هفتمین است امشب

۱. اثبات الهداة، حر عاملی، ج ۳، ص ۲۱۶؛  
محجة البیضاء، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۲۶۸؛  
مناقب الاخبار، ص ۳۴؛ روض الریاحین، ص ۵۸؛  
فصول المهمة، ص ۲۱۵.